



درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ بهمن ۱۳۹۱
مصادف با: اربع الثانی ۱۴۳۴
جلسه: ۲۲

موضوع کلی: توثیقات خاصه و عامه
موضوع جزئی: راه‌های توثیق عام - مشایخ ثقات
سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

تا اینجا در مورد مشایخی که ابن ابی عمیر و صفوان از آنها روایت نقل کرده و ادعا شده بود که ضعف آنها مورد اتفاق است بحث شد، شش نفر از مشایخ ابن ابی عمیر و دو نفر از مشایخ صفوان مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد هیچ کدام از اینها مورد اتفاق نیست بلکه وثاقت بعضی از آنها هم قابل اثبات بود، یعنی چه بسا ممکن است در مورد این افراد کسی ادعا کند این اشخاص در نظر ابن ابی عمیر و صفوان ثقه بوده‌اند و یا حتی در حالی که تحمل حدیث و نقل روایت می‌کرده‌اند مورد اعتماد بوده‌اند و بعداً برای آنها تبدل حال پیدا شده است، پس به هر حال ادعای اتفاق بر ضعف این گروه مورد قبول نیست، در مورد مشایخ بزنی هم ضعف هیچ یک از مشایخ او مورد اتفاق قرار نگرفته است، البته بعضی از مشایخ او مختلف فیه است که بعضی آنها را ثقه و بعضی دیگر ثقه نمی‌دانند که بعداً اشاره خواهیم کرد. پس مجموعاً در بخش اول عرایض ما در پاسخ به اشکال نقضی به قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقه» به این نتیجه رسیدیم که کسانی که ادعا شده ضعف آنها مورد اتفاق است هیچ کدام این چنین نبوده و تضعیف آنها معارض دارد. محاملی هم برای نقل ابن ابی عمیر، صفوان و بزنی برای نقل از این افراد می‌توان ذکر کرد.

علی بن ابی حمزه بطائنی:

اما در مورد مشایخی که ضعف آنها مورد اختلاف است یعنی کسانی که از مشایخ ابن ابی عمیر و بزنی بوده‌اند لکن ضعف آنها مورد اتفاق نیست، یکی از مهمترین کسانی که تضعیف شده علی بن ابی حمزه بطائنی است.

کشی از ابن مسعود عیاشی درباره علی بن ابی حمزه می‌گوید: «سمعت علی بن الحسن بن فضال یقول: ابن ابی حمزه کذاب ملعون قد رُوی عنه احادیث کثیره و کتبت تفسیر القرآن من اوله الی آخره الا انی لا استحل ان اروی عنه حدیثاً واحداً»، تعبیر «کذاب ملعون» تعبیر تندی است و اگر این تعبیر درباره علی بن ابی حمزه ثابت شود و معارضی هم نداشته باشد کار را مشکل می‌کند، در مقابل این کلام بعضی دلیل بر عدم ضعف آورده‌اند یعنی به طور کلی دلائلی برای ضعف علی بن ابی حمزه بطائنی و همچنین بر عدم ضعف او اقامه شده است. مرحوم مامقانی در تنقیح المقال^۲ به این ادله اشاره کرده است.

الف) مذهب او

۱. رجال کشی، ص ۳۴۵.
۲. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۶۲.

در مورد علی بن ابی حمزه بطائنی از دو جهت باید بحث کرد؛ یکی از حیث مذهبش و دیگری از حیث روایت کردن او. از نظر مذهب، اشکال اصلی او در نظر عده‌ای این است که واقفی بوده و به همین جهت مورد طعن قرار گرفته یعنی او در مسئله امامت به امامت امام رضا (ع) معتقد نبود و در امامت موسی بن جعفر (ع) متوقف شد، حالا آیا واقعاً مسئله وقف در مورد او ثابت شده یا نه؟

کشی روایتی را نقل می‌کند و می‌گوید: «... فضرِبَ علی رأسه ضربةً امتلاً قبره ناراً»^۱ علی بن ابی حمزه در زمان امام رضا (ع) از دنیا رفت، خبر وارد شده که امام رضا (ع) بر قبر او نشست و از او درباره ائمه (ع) سؤال کرد، او در پاسخ اسامی ائمه (ع) را نام برد تا به نام امام رضا (ع) رسید و متوقف شد که حضرت ضربه‌ای به سرش زد و قبر او پر از آتش شد.

در مقابل هم روایات متعددی معارضی با این مطلب نقل شده، بعضی روایات دال بر این است که علی بن ابی حمزه مستبصر شده و از مذهب وقف رجوع کرده یا اساساً بر مذهب امامیه باقی بوده است که به این روایات در بعضی کتب^۲ اشاره شده است، جالب این است که خود کشی^۳ هم در ذیل عنوان علی بن ابی حمزه مطلبی را نقل کرده که نشان دهنده عنایت امام رضا (ع) به او بوده است. ما فعلاً قصد نداریم وارد جزئیات مربوط به مذهب علی بن ابی حمزه بطائنی شویم اما اجمالاً حداقل این است که در مورد مذهب او معارضه وجود دارد، با اینکه شهرت به وقف پیدا کرده اما ملاحظه کردید که معارضاتی هم وجود دارد، حال با وجود چنین روایات متعارض درباره مذهب علی بن ابی حمزه بطائنی نمی‌توان به نحو قطعی حکم به وقف او کنیم.

ب) نقل او

اما از جهت نقل روایت، کسی صریحاً یا کنایه‌اً او را مورد طعن قرار نداده است، بر فرض بپذیریم علی بن ابی حمزه از حیث مذهب ضعیف بوده، ضعف در مذهب موجب ضعف در نقل روایت نخواهد شد، در معنای وثاقت هم گفته شده که ملاک وثاقت تقه بودن در نقل است اما اگر مذهب کسی دچار مشکل باشد کسی راوی را به این جهت متهم به ضعف نمی‌کند پس در مورد ضعف علی بن ابی حمزه از حیث نقل ما یک مطلب قابل اعتماد و اتکائی نداریم و عباراتی هم که به نوعی درباره ضعف او بیان شده بیشتر ناظر به مذهب اوست (بر فرض اینکه بپذیریم واقفی بوده است).

اما عبارتی که کشی از عیاشی نقل کرده و گفته: «سمعتُ علی بن الحسن بن فضال یقول: ابن ابی حمزه انه کذاب ملعونٌ قد رُویت عنه احادیث کثیرة و کتبت تفسیر القرآن الا انی لا استحلُّ ان اروی عنه حدیثاً واحداً»، توجه به یک نکته مهم است و آن اینکه در سند روایات دو نفر به نام ابن ابی حمزه ذکر شده‌اند؛ یکی علی بن ابی حمزه بطائنی و دیگری پسر او حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، در بعضی روایات به صراحت نام آنها ذکر شده اما در بعضی از اسناد صرفاً به ذکر ابن ابی حمزه اکتفاء شده و ابن ابی حمزه مشترک بین پدر و پسر است لذا گاهی مراد از ابن ابی حمزه پدر و گاهی منظور از ابن ابی حمزه،

۱. رجال کشی، ص ۳۴۵.

۲. غیبت نعمانی، ص ۶۱؛ کمال الدین صدوق، ج ۱، ص ۲۵۹؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۹، ح ۴.

۳. رجال کشی، رقم ۳۱۰.

پسر است، علی بن ابی حمزه از نظر مذهب دچار مشکل بوده اما مشکل در نقل روایت نداشته اما فرزند او متهم به ضعف در نقل روایت است. البته این ضعف هم ثابت نیست. بر این اساس احتمال دارد منظور از جمله عیاشی که کشی از او نقل کرده همان حسن بن علی بن ابی حمزه باشد چون خود کشی همین مطلب را از عیاشی در ذیل عنوان حسن بن علی بن ابی حمزه هم آورده است^۱. حال چگونه ممکن است که این تعبیر هم در مورد خود علی بن ابی حمزه و هم درباره پسرش آمده باشد؟ پس مشکل اصلی این است که کشی عین همین مطلب یعنی طعن ابن فضال را در مورد پسر علی بن ابی حمزه هم ذکر کرده. ولی نکته مهمتر این است که از نظر زمانی علی بن حسن بن فضال نمی‌توانسته از علی بن ابی حمزه روایت نقل کند چون علی بن حسن بن فضال می‌گوید من احادیث زیادی را از او نقل کردم که این سخن دال بر این است که باید علی بن ابی حمزه را درک کرده باشد در حالی که علی بن ابی حمزه بطائنی قبل از ولادت علی بن حسن بن فضال از دنیا رفته است لذا علی بن حسن بن فضال اصلاً علی بن ابی حمزه بطائنی را درک نکرده است لکن محتمل است پسر علی بن ابی حمزه بطائنی را درک کرده باشد و درباره پسر او چنین مطلبی را گفته باشد.

به هر حال نمی‌توان گفت علی بن ابی حمزه بطائنی از نظر نقل در حدیث و روایت ضعیف است و به همین جهت فقهاء به روایات او - اگر معارض نداشته باشد - اخذ می‌کنند، اگر قرار بود علی بن ابی حمزه بطائنی ثقة نباشد و ضعیف باشد حتی در صورت عدم وجود معارض هم نباید به روایات او اخذ می‌کردند پس مجموعاً نه از حیث مذهب و نه از حیث نقل روایت نمی‌توان او را مورد طعن قرار داد و تضعیف کرد. نکته آخری که باید تذکر دهیم این است که ابن ابی عمیر از علی بن ابی حمزه روایت نقل کرده ولی از صفوان فقط یک روایت از علی بن ابی حمزه بطائنی در کتب اربعه نقل شده است، لذا نمی‌توان با علی بن ابی حمزه بطائنی قاعده «لایروون و لایرسلون الا عن ثقة» را نقض کرد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. رجال کشی، رقم ۶۷۶.